

## بررسی وضعیت و آثار حقوقی معامله مدیرعامل با شرکت در مقایسه با لایحه جدید قانون تجارت

سام محمدی\*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

علی باقری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۹/۲۹)

### چکیده

مدیرعامل به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی، امین شرکت محسوب می‌شود و به نمایندگی از آن، شرکت را اداره می‌کند؛ در همین راستا موظف است منافع سهام‌داران و مصلحت شرکت را در نظر بگیرد. یکی از موضوعاتی که ممکن است مدیرعامل از وصف امانت خود عبور کند و منافع شخصی خود را بر منافع شرکت ترجیح دهد، انجام معامله با شرکت است که این امر علی‌الاصول موجب ظهور تعارض بین وظایف و منافع وی می‌گردد. قانون‌گذار به منظور ایجاد یک سیستم کنترلی پیرامون شرکت‌های سهامی و تعاونی احکام و ضوابطی را وضع و آثار آن را تا حدودی مشخص نموده است که در ادامه مقاله صورت‌های گوناگون چنین معامله‌ای و نیز مقایسه آن با لایحه جدید قانون تجارت خواهد آمد. ولی درباره دیگر شرکت‌های تجارتي حکمی دیده نمی‌شود. در این خصوص با بررسی و نقد نظریات متعدد، بر مبنای ماهیت نمایندگی مدیرعامل، معامله او با شرکت را تابع مقررات عقد وکالت دانسته‌ایم.

### واژگان کلیدی

سیستم کنترلی، معامله با شرکت، منافع سهام‌داران، نماینده.

## ۱. مقدمه

امروزه با توجه به گسترش شرکت‌های تجاری و نقش آن در وضع اقتصادی کشور، ضروری است که مقررات شفاف‌تری در خصوص این موضوع مهم وضع گردد. هریک از این شرکت‌ها برای اداره امور خود اشخاصی را به‌عنوان مدیر انتخاب می‌کنند. ماده ۱۰۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت<sup>۱</sup> پیرامون شرکت‌های سهامی عام و خاص اشعار می‌دارد: «شرکت سهامی به‌وسیله هیئت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند، اداره خواهد شد». در ماده ۱۲۴ لایحه یادشده برای نخستین بار از سمتی به نام مدیرعامل در قانون یاد شد<sup>۲</sup> و مقرر گردید که هیئت مدیره باید حداقل یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت شرکت برگزیند. طبق قانون، وجود شخص مدیرعامل در شرکت‌های تعاونی نیز ضروری است<sup>۳</sup>. در خصوص دیگر شرکت‌های تجاری، قانون‌گذار انتخاب هیئت مدیره را ضروری دانسته، لکن درباره مدیرعاملی شرکت مقررهای وضع نگردیده، اما در عمل و همچنین به‌موجب دستورالعمل‌ها و اساس‌نامه‌های این شرکت‌ها، وجود شخص مدیرعامل پیش‌بینی شده است. لذا باید گفت سمت مدیریت عامل در تمامی شرکت‌ها، لازم و ضروری است.

مدیرعامل باید همواره در جهت مصالح و منافع شرکت و شرکا بکوشد. در صورتی که مدیرعامل از موقعیت و جایگاه خود سوء استفاده کند و عمل حقوقی‌ای را صورت دهد، قانون و در مواردی اساسنامه یا شرکتنامه ضمانت‌آجراهایی برای این عمل در نظر می‌گیرند. یکی از این موارد، انجام معامله با شرکت است به این معنا که مدیرعامل در معاملات شرکت به نحوی ذی‌نفع شود. قانون‌گذار از آغاز تدوین قوانین نسبت به اعمال قاعده‌ای واحد<sup>۴</sup> در این خصوص حساس بوده است. پس از تصویب لایحه اصلاحی، قانون‌گذار در احکامی برخی معاملات را مطلقاً باطل و باقی را تحت شرایط و تشریفات مجاز دانسته، ولی وضعیت این معاملات در دیگر شرکت‌ها مسکوت مانده است.

۱. از این پس به‌جای لایحه اصلاحی قانون تجارت به اختصار «ل.ا.ق.ت» نوشته می‌شود.

۲. توضیح اینکه تا قبل از تصویب لایحه اصلاحی قانون تجارت، از سمتی به نام مدیرعامل در هیچ‌جای قانون تجارت یاد نشده است.

۳. ماده ۳۹ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ ش.

۴. ماده ۵۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ ش: «مدیرهای شرکت نمی‌توانند بدون اجازه مجمع عمومی در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم سهام شونند و در صورت اجازه باید صورت مخصوص آن را همه‌ساله به مجمع عمومی بدهند».

پژوهش حاضر به بررسی وضعیت و آثار حقوقی چنین معامله‌ای در تمامی شرکت‌های تجاری همراه با طرح نوآوری‌ها و کاستی‌های لایحه جدید قانون تجارت<sup>۱</sup> می‌پردازد. از همین رو، این پژوهش به سه بخش تقسیم می‌شود؛ در بخش نخست، وضعیت معامله مدیرعامل شرکت‌های سهامی عام و خاص با شرکت، در گفتار بعدی در خصوص معامله مدیرعامل در شرکت‌های تعاونی، و در گفتار پایانی وضعیت چنین معامله‌ای در دیگر شرکت‌های تجاری تجزیه و تحلیل می‌گردد.

## ۲. بررسی معاملات مدیرعامل با شرکت در شرکت‌های سهامی عام و سهامی خاص

### ۱. معاملات باطل

ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت مقرر می‌دارد که مدیرعامل شرکت حق ندارد هیچ‌گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نماید و دیگر اینکه شرکت نمی‌تواند دیون مدیرعامل را تضمین یا تعهد کند. این معاملات دو استثنا دارند:

الف) شرکت وام (یا اعتبار)<sup>۲</sup> دهنده یا تضمین‌کننده، بانک یا شرکت‌های مالی و اعتباری باشند که در این صورت به شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری صورت گیرد، معتبر خواهد بود. از مصادیق قراردادهای عادی و جاری قراردادهایی است که به‌طور معمول و در چارچوب فعالیت شرکت منعقد می‌شود (اسکینی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۴؛ باریکلو، ۱۳۸۳، ص ۳۸). در لایحه جدید قانون تجارت<sup>۳</sup> درباره بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در ماده ۲۳۰ قیدی اضافه شده است که طی آن جزئیات معامله باید به همراه اظهارنظر بازرس یا بازرسان به مجمع عمومی عادی گزارش شود.

ب) وام (یا اعتبار)‌گیرنده یا مضمون‌عنه شخص حقوقی باشد. با این توضیح که اگر شخصی حقیقی به‌عنوان نماینده شخص حقوقی عضو شرکت، مدیرعامل شرکتی شده باشد، آن شخص حقوقی می‌تواند از شرکت وام بگیرد، کسب اعتبار نماید و یا شرکت ضمانتش را برعهده گیرد. اما از آنجا که مبنای چنین مقرره‌ای منع سوء استفاده مدیرعامل و پیش‌بینی

۱. لایحه قانون تجارت در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۸ کمیسیون قضایی و حقوقی، و نیز در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. لایحه یادشده در حال بررسی در شورای نگهبان می‌باشد.

۲. منظور از معاملات اعتباری ارائه کالا یا خدمات و اخذ بهای آن در آینده می‌باشد.

۳. بنابر ماده ۲۴۷ لایحه جدید قانون تجارت، کلیه مواد مربوط به تحدید مدیران از انجام برخی معاملات در خصوص شخص مدیرعامل نیز قابل اجراست.

۴. «... در مورد بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری معاملات مذکور به شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر است، لکن جزئیات این معاملات باید به همراه اظهارنظر بازرس یا بازرسان به مجمع عمومی عادی گزارش شود».

زیان بار بودن آن می‌باشد، منطقی است که شخص حقوقی نیز از انجام چنین معاملاتی منع شود؛ چراکه تفاوت میان شخص حقوقی عضو شرکت و نماینده آن غیرموجه و بی‌دلیل است (باریکلو، ۱۳۸۳، ص ۳۹). قانون‌گذار در ماده ۲۳۰ لایحه جدید قانون تجارت به خوبی به این امر مهم توجه داشته و تنها استثنای قائل شده آن است که شرکت وام (یا اعتبار) دهنده یا تضمین‌کننده، بانک یا شرکت‌های مالی و اعتباری باشد.

برخی حقوق‌دانان در تفسیر ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت از لحاظ منطق و هدف قانون‌گذاری آورده‌اند که اگر مجمع عمومی چنین معامله‌ای را به اتفاق آرا تصویب کند، در حقیقت به معامله اعتبار بخشیده است (پاسبان، ۱۳۸۸، ص ۲۱۹؛ گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۱۵۴). در راستای همین دیدگاه در پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۸۴<sup>۱</sup> آورده شد که مدیران شرکت حق ندارند هیچ‌گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی‌تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند؛ مگر با تصویب مجمع عمومی عادی شرکت به اتفاق آرا (ماده ۶۰۸). اما در لایحه جدید قانون تجارت این ماده دستخوش تغییر شده و دادن هرگونه وامی یا انجام تعهدی از سوی شرکت ممنوع گردیده است؛ حتی اگر کلیه اعضای مجمع عمومی عادی انجام چنین معامله‌ای را به تصویب برسانند (ماده ۲۳۰). افزون‌براین، محدودیت بیشتری در این ماده ملاحظه می‌شود، چراکه قانون‌گذار دایره افراد مشمول معاملات ممنوعه (باطل) را گسترش داده است که شامل همسر و بستگان نسبی و سببی مدیرعامل تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه می‌شود؛ درحالی که در ماده ۶۰۸ پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون تجارت، همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد اولاد و برادر و خواهر مدیرعامل از انجام چنین معاملاتی ممنوع شده‌اند که نشان‌دهنده این است که اراده قانون‌گذار در لایحه جدید بر آن است که انجام چنین معاملاتی باید با محدودیت و احتیاط بیشتری همراه باشد.

لذا باید بپذیریم که به دلیل حساسیت قانون‌گذار به روابط مالی شخصی مدیرعامل با شرکت (پاکدامن، ۱۳۸۹، ص ۴۸)، مقنن آزادی حداقلی دیده‌شده در ماده ۶۰۸ پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون تجارت را نادیده گرفته و آن را حتی در صورت تصویب کلیه اعضای مجمع عمومی معتبر ندانسته است؛ افزون‌برآن، ضمانت اجرای چنین معاملاتی را به افراد بیشتری از بستگان مدیرعامل گسترش داده است.

۱. مطابق مصوبه شماره ۱۷۸۷۵/ت / ۲۶۷۶۱ هـ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۹ هیئت وزیران، مأموریت بازرنگری و تدوین پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون تجارت به وزارت بازرگانی، با همکاری وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، دادگستری، صنایع و معادن و کار و امور اجتماعی واگذار شد. هیئت دولت در جلسه ۱۳۸۴/۳/۱ پیش‌نویس نهایی لایحه را با ۱۰۲۸ ماده و ۱۵۰ تبصره تصویب و به مجلس ارسال کرد.

نکته پایانی در این بخش این است که آیا صرف بطلان چنین معاملاتی جبران‌کننده زیان‌های وارده به شرکت خواهد بود؟ چراکه اگر مدیرعامل یا بستگان تحت شمول از مسترد داشتن مبلغ دریافتی وام یا اعتبار خودداری کنند، خسارات مقرر در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م کفاف جبران چنین زیانی را نخواهد داد (پاسبان، ۱۳۸۸، ص ۲۱۹). در همین راستا، این موضوع مهم در ماده ۶۰۸ پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون تجارت پیش‌بینی شده و در خصوص ضمانت اجرای تحصیل وام یا اعتبار مدیرعامل و دیگر اشخاص تحت شمول از شرکت، مقرر داشته است: «... متخلف ملزم به استرداد اصل و پرداخت خسارت و جریمه بر پایه ۲۰ درصد در سال از تاریخ پرداخت وام یا اعتبار تا روز استرداد آن به شرکت می‌باشد». اما در ماده ۲۳۰ لایحه جدید، این موضوع نادیده انگاشته شده و قانون‌گذار تنها به خسارات مندرج در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م اکتفا کرده است.

لذا شایسته است این نقیصه مرتفع شود و بند دیده‌شده در ماده ۶۰۸ پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون تجارت به ماده ۲۳۰ لایحه جدید افزوده گردد.

## ۲.۲. معاملات تشریفاتی

قانون‌گذار در ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت اقدام به ایجاد یک سیستم کنترلی نموده است؛ چراکه از یک سو بیم آن می‌رود که مدیرعامل در انعقاد معامله با شرکت از موقعیت خود سوء استفاده کند و از سوی دیگر، چه بسا ممکن است این معامله برای شرکت سودآور باشد؛ از همین رو قانون‌گذار راه حل بینابینی را اتخاذ نموده است.

در این ماده آمده است که مدیرعامل شرکت و هم چنین مؤسسات و شرکت‌هایی که مدیرعامل شرکت، شریک یا عضو هیئت مدیره آنها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌شود به طور مستقیم یا غیرمستقیم طرف معامله واقع یا سهام شوند.<sup>۱</sup> بر اساس این ماده اگر مدیرعامل شرکت سهامی در صدد انجام معامله‌ای با شرکت باشد باید تشریفات مقرر رعایت شود تا به اجازه چنین معامله‌ای دست یابد؛ چراکه تمرکز قدرت نزد وی ممکن است به افزایش هزینه‌های ناشی از اشتباه در مدیریت منجر شود که در پی آن موجب تحمیل هزینه‌هایی برای سهام‌داران است (کوز، نقل از سید احمدی سجادی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۱).

طبق ماده ۱۲۵ ل.ا.ق.ت، مدیرعامل نماینده شرکت است و از طرف شرکت حق امضا دارد. برای شناسایی نوع نمایندگی مدیرعامل، نخست می‌بایست به بررسی و تحلیل رابطه حقوقی

۱. این ماده برگرفته از قانون تجارت فرانسه است (اسکینی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۴).

اعضای هیئت مدیره با شرکت پرداخت، سپس باید دید که کدام دیدگاه با حقوق تجارت کنونی سازگار است.

گروهی معتقدند مدیران نماینده قانونی شرکت شمرده می‌شوند (کاتبی، ۱۳۸۰، ص ۸۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۹۵؛ حسینی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۲). اکثریتی با نظر بر اینکه با تصویب لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ ش، ماده ۵۱ قانون تجارت منسوخ<sup>۱</sup> محسوب می‌شود، مدیران را نماینده شرکت (نه نماینده سهام‌داران) دانسته‌اند (ستوده تهرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹؛ نصیری، ۱۳۸۳، ص ۳۲۷).

اما نظریه‌ای که امروزه برای شناسایی ماهیت مدیران در شرکت‌های سهامی مورد اقبال صاحب‌نظران حقوق تجارت واقع شده «نظریه رکن بودن»<sup>۲</sup> است (عیسائی تفرشی، ۱۳۷۸، ص ۹۲؛ اسکینی و شریفی آل هاشم، ۱۳۷۹، ص ۶؛ پاسبان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵). به موجب این نظریه، سازمان مدیریت (هیئت مدیره) جزء ساختمان و سازمان شخص حقوقی‌اند و اندام یا عضوی از آن به‌شمار می‌آیند (اسکینی و شریفی آل هاشم، ۱۳۷۹، ص ۶). در این راهبرد در تفکیک اختیارات مدیرعامل با اعضای هیئت مدیره باید اذعان داشت که مدیرعاملی که از سوی هیئت مدیره (به‌عنوان رکنی از شرکت) انتخاب می‌شود، وکیل شرکت تجارتنی قلمداد می‌گردد، نه وکیل هیئت مدیره. لذا بر مبنای این نظریه، مقررۀ ۱۲۵ ل.ا.ق.ت مطابق قاعده است<sup>۳</sup> (عیسائی تفرشی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۵؛ اصغری آقمشهدی و عیسائی تفرشی، ۱۳۸۵، ص ۴۹).

حال که یافتیم مدیرعامل وکیل شرکت است، باید دید که وی مأذون در معامله با خود (شرکت) می‌باشد یا خیر؛ چراکه قول مشهور فقها و حقوق‌دانان آن است که وکیل در صورتی می‌تواند با خود معامله کند که موکل (شرکت) این اختیار را به‌صراحت یا به دلالت قرینه‌ای به وی داده باشد (طباطبایی یزدی، بی‌تا، ص ۱۴۹؛ شهید اول، ۱۴۰۶، ص ۹۸؛ شهید ثانی، بی‌تا، ص ۳۸۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ص ۹۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۹۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷، ص ۵۳۱). قانون‌گذار نیز به‌منظور رعایت غبطۀ شرکت و شرکا تحت شرایطی (ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت) اذن معامله با شرکت را به مدیرعامل اعطا نموده است.

اگرچه عبارت «غیرمستقیم» در ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت تعریف نشده و تشخیص آن به دادگاه محول شده است، ولی گویا منظور آن، معاملات مدیرعامل به نام بستگان درجه اول و یا به نام شرکتی بوده که سهام‌دار عمده آن است (پاکدامن، ۱۳۸۹، ص ۳۹).

۱. ماده ۵۱ قانون تجارت: «مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد».

۲. Organ Theory - این نظریه را نخستین بار مؤلفان آلمانی مطرح کردند (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۸۶).

۳. برای ملاحظه مبسوط این نظریات و نقد آن ر.ک. اسکینی و شریفی آل هاشم، ۱۳۷۹، ص ۹-۲ و اصغری آقمشهدی و عیسائی تفرشی، ۱۳۸۵، ص ۵۰-۳۷.

آن گونه که از ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت. مشخص است، قانونگذار هر معامله‌ای را تابع رعایت چنین تشریفاتى نموده است. لفظ معامله اطلاق دارد به هر معامله‌ای، اما قانونگذار در قانون تجارت فرانسه میان قراردادهای جزئی و اساسی یا متعارف و غیرمتعارف تفاوت قائل شده است. به این شرح که در حقوق فرانسه معاملات عادی که شرکت با مشتریان خود انجام می‌دهد، برای مدیران آزاد است (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۲؛ ساجدی، ۱۳۸۵، ص ۵۳)؛ برای مثال مدیرعامل می‌تواند از فروشگاه شرکت کالای مورد نیاز خود را مانند سایر مشتریان خریداری کند. اما در لایحه اصلاحی چنین تفکیکی دیده نمی‌شود و کلیه قراردادهای مدیرعامل با شرکت تحت تشریفات کنترل قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> متأسفانه در لایحه جدید قانون تجارت همچنان قانونگذار لفظ معامله را به صورت مطلق آورده است؛ در صورتی که بهتر بود قانونگذار همه قراردادهای مدیرعامل با شرکت را مشمول این تشریفات قرار نمی‌داد.

پرسش قابل طرح در اینجا این است که آیا در معامله‌ای که متضمن هیچ ضرری برای شرکت نیست، بلکه به نفع شرکت و سهام‌داران است، باید چنین تشریفاتى رعایت شود؟ برای نمونه در حالتی که مدیرعامل برای جلوگیری از ورشکستگی شرکت قصد دارد یک میلیارد ریال از حساب شخصی‌اش به شرکت هبه نماید، آیا اجازه هیئت مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان و تصویب مجمع در این خصوص هم لازم است؟

چنان‌که گفته شد، از ظاهر ماده و اطلاق لفظ معامله برمی‌آید که حتی چنین معامله‌ای را نیز باید تحت تشریفات کنترل قرار داد. اما نباید به اطلاق لفظ معامله تکیه کرد، زیرا فلسفه وضع چنین ماده‌ای این بوده که چون در معامله مدیرعامل با شرکت این احتمال وجود دارد که مدیرعامل مصالح و منافع شرکت و شرکا را رعایت نکند، انجام آن را به رعایت تشریفات خاص وابسته کرده است؛ درحالی که در خصوص پرسش ما نه‌تنها ضرری برای شرکت متصور نیست، بلکه منفعت و سود برای شرکت حاصل خواهد شد. افزون‌براین، اصولاً مدیران با توجه به شخصیت حقوقی مستقل از شرکت می‌توانند هرگونه معامله‌ای با شرکت انجام دهند. موادی که این آزادی را منع می‌کند به نوعی استثنا محسوب می‌شود که از جمله آن

۱. البته در برخی مقررات این موضوع مهم مد نظر قانونگذار بوده است. در ماده ۲۱ اساسنامه شرکت‌های بیمه (که به استناد ماده یک قانون اداره امور شرکت‌های بیمه مصوب ۱۳۶۷ش، این شرکت‌ها باید به شکل سهامی تشکیل و اداره شوند) مصوب ۱۳۶۸ش (هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۹/۱۵ بنا به پیشنهاد شماره ۱۶۴۳۵ مورخ ۱۳۶۸/۵/۱۴ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده ۲ قانون اداره امور شرکت‌های بیمه مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۳ مجلس شورای اسلامی، اساسنامه شرکت سهامی بیمه ایران را به تصویب رساند) اشاره شده است که «مدیر عامل و سایر اعضای هیئت مدیره و بازرس قانونی می‌توانند قراردادهای متعارف بیمه با شرکت منعقد کنند». ملاحظه می‌شود که مدیرعامل شرکت‌های بیمه (به فراخور موضوع شرکت)، در حد متعارف مجازند با شرکت معامله کنند.

همچنین در دستورالعمل معاملات تعاونی‌ها با هریک از اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرسان، به این مهم اشاره شد که در مبحث مربوط به شرکت‌های تعاونی خواهد آمد.

معاملات کنترل‌کننده ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت می‌باشد؛ لذا می‌بایست لفظ معامله در این ماده را در معنای خاص در نظر گرفت. بنابراین نظر منطقی این است که گفته شود کلیه قراردادهای معوض مدیرعامل با شرکت مشمول این ماده قرار خواهد گرفت و قراردادهای کاملاً رایگان مانند هبه و صلح بلاعوض از شمول این ماده خارج است، زیرا احتمال ورود ضرر به شرکت وجود ندارد. برای نمونه درجایی که مدیرعامل برای جلوگیری از ورشکستگی شرکت یک میلیارد ریال به شرکت قرض می‌دهد تا مدتی بعد آن مبلغ را پس بگیرد، باید با اجازه هیئت مدیره و تصویب مجمع باشد؛ چراکه ممکن است حتی با گرفتن قرض هم شرکت ورشکسته شود و در چنین حالتی بر دیون شرکت افزوده می‌شود. لذا پسندیده است که این عدم شمول را مختص تملکات بلاعوض از جمله هبه و صلح بلاعوض بدانیم.

#### ۲.۲.۱. بررسی تشریفات ماده ۱۲۹ لایحه اصلاحی

در ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت، تشریفات برای کنترل معامله مدیرعامل با شرکت در نظر گرفته شده که به ترتیب شامل اجازه هیئت مدیره، گزارش بازرس یا بازرسان و تصمیم مجمع عمومی عادی می‌باشد. این درحالی است که دیگر ذی‌نفعان به دلیل افشا نشدن از این موضوع آگاه نمی‌شوند (یحیی پور، ۱۳۹۲، ص ۵۲).

در مرحله نخست مدیرعامل باید از هیئت مدیره کسب اجازه کند و هیئت مدیره در این باره جلسه‌ای تشکیل داده، اخذ تصمیم نماید. بنابر قسمت انتهایی ماده ۱۲۹ لایحه اصلاحی، مدیرعامل ذی‌نفع اگر عضو هیئت مدیره نیز باشد در این جلسه حق رأی نخواهد داشت. در گام بعدی، در صورت اجازه، هیئت مدیره مکلف شده است بازرس یا بازرسان شرکت را از انجام چنین معامله‌ای و اجازه آن مطلع سازد و نیز گزارش آن را به مجمع عمومی عادی بدهد. بازرس نیز مکلف شده است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله، نظر خود را درباره چنین معامله‌ای به مجمع عمومی تقدیم کند. اگر بازرس یا بازرسان پی ببرند که اجازه هیئت مدیره متضمن سوء استفاده از اموال شرکت است، طبق ماده ۱۵۱ لایحه اصلاحی موظف‌اند مراتب را به آگاهی مقامات قضایی ذی‌صلاح برسانند. در ماده ۱۲۹ لایحه اصلاحی تصریح شده است، گزارش بازرس به مجمع باید حاوی جزئیات معامله و نظر خود او باشد؛ پس باید گفت که بازرس نمی‌تواند به ذکر کلیات معامله بسنده کند، بلکه موظف است شرح دقیق این معامله و نیز نظر خود را به مجمع تقدیم نماید (اسکینی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۷؛ صفی‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۸۴ و ۸۵). در این خصوص در لایحه جدید قانون تجارت، علاوه بر موارد پیش‌گفته، قیود دیگری اضافه شده که طی آن بازرس باید در شرایط منصفانه و رعایت حقوق کلیه شرکا و یا سهام‌داران و قوانین و مقررات مربوط، گزارش خاص خود را به‌طور کتبی ظرف ۱۰ روز به



هیئت مدیره اعلام و به مجمع نیز تقدیم کند. نکته دیگر اینکه هرگاه مجمع عمومی بر اساس گزارشی تصمیمی اتخاذ کند که نظر بازرس (یا بازرسان) در آن بیان نشده و یا بازرس (یا بازرسان) به ذکر کلیات معامله اکتفا کرده باشد، این تصمیم به موجب ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت<sup>۱</sup> به درخواست هر ذی‌نفعی باطل می‌شود و در صورت حکم قطعی بر بطلان این تصمیم، کسانی که مسئول بطلان هستند متضامناً مسئول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان متوجه صاحبان سهام و اشخاص ثالث شده است (ماده ۲۷۳ ل.ا.ق.ت)<sup>۲</sup>. حال چنانچه چنین درخواستی صورت نگیرد، و یا پس از انجام معامله این نقیصه کشف شود، باز هم معامله قابل ابطال خواهد بود؛ چراکه در صورت رعایت نشدن تشریفات مقرر در ماده ۱۳۱ ل.ا.ق.ت، مجمع عمومی می‌تواند ابطال معامله را خواستار شود.

گام نهایی تصمیم مجمع عمومی درباره معامله مدیرعامل با شرکت است که چنین حقی برای مجمع، تضمینی است در جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی. این راهبرد نقش حقوق شرکت‌ها را یک نقش تعادلی دانسته است (یحیی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۷۰).

در صورت تصویب کردن یا نکردن مجمع عمومی، چهار حالت وجود دارد که در مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ لایحه اصلاحی به آن اشاره شده است:

الف) در صورت اجازه هیئت مدیره و تصویب مجمع، مدیرعامل اجازه انجام چنین معامله‌ای را خواهد یافت و معامله او صحیح و معتبر است.

در فرضی که مدیرعامل در انجام معامله با شرکت از حدود اذن خود فراتر رود، معامله چه وضعیتی پیدا خواهد کرد؟ برای نمونه مدیرعامل در خصوص خرید ۱۰۰ جفت لاستیک تولیدی شرکت اجازه هیئت مدیره را تحصیل می‌نماید و به تصویب مجمع نیز می‌رسد، اما مدیرعامل ۱۳۰ جفت لاستیک را معامله می‌کند. در پاسخ باید گفت که بنابر ماده ۱۳۰ ل.ا.ق.ت، معامله کاملاً صحیح و معتبر است و نمی‌توان احکام وکالت را در این خصوص جاری دانست و معامله را غیرنافذ تلقی کرد. در این صورت باید گفت مدیرعامل که از حدود اذن فراتر رفته در برابر شرکت و اشخاص ثالثی که در معاملات ثانوی مالک شده‌اند، مسئولیت تضامنی دارد.

ب) در حالتی که اجازه هیئت مدیره باشد، ولی به تصویب مجمع نرسد، بنابر مفهوم مخالف ماده ۱۳۱ ل.ا.ق.ت، معامله صحیح و معتبر است؛ زیرا در این ماده آمده است،

۱. «هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هریک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود بر حسب مورد بنا به درخواست هر ذی‌نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلام خواهد شد لیکن مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند».

۲. این مقرر در ماده ۲۸۳ لایحه جدید قانون تجارت آمده است.

در صورتی که معاملات یادشده در ماده ۱۲۹ بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد، هرگاه مجمع عمومی آن‌ها را تصویب نکند، قابل ابطال است. از مفهوم مخالف این قسمت از ماده چنین استنباط می‌شود که چنانچه معامله با اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد، معامله قابل ابطال نخواهد بود؛ هرچند مجمع عمومی آنرا تصویب نکند (حیدرپور، ۱۳۸۲، ص ۵۷).

در این صورت معامله صحیح و بنابر ماده ۱۳۰ ل.ا.ق.ت در برابر اشخاص ثالث معتبر است و معاملات ثانوی صورت گرفته را نمی‌توان ابطال کرد و یا آن‌ها را ضامن جبران خسارات وارده برشمرد؛ مگر در صورت تدلیس یا تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد که در این صورت معامله قابل ابطال است. لذا اگر تدلیس ثالث در کار باشد، معامله از سوی مجمع عمومی قابلیت ابطال را دارد.<sup>۱</sup> در ادامه ماده ۱۳۰ ل.ا.ق.ت آمده است، در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد، جبران خسارت برعهده مدیرعامل ذی‌نفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده‌اند که همگی آن‌ها متضامناً مسئول جبران خسارت وارده به شرکت می‌باشند. البته یادآوری این نکته ضروری است که بنابر قاعده کلی، مدیرانی مسئولیت تضامنی دارند که در جلسه هیئت مدیره رأی مثبت یا ممتنع داده باشند و مدیرانی که رأی منفی داده‌اند، مسئولیتی ندارند، زیرا در بخش پایانی ماده ۱۲۳ لایحه اصلاحی آمده است که هر یک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورت جلسه مخالف باشد، نظر او باید در صورت جلسه قید گردد. ذکر نظر مخالف در صورت جلسه به این منظور است که مسئولیت کیفری و مدنی که بر تخلفات هیئت مدیره مترتب می‌شود، از مدیر مخالف رفع گردد (دمیرچیلی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۴). در این خصوص در ماده ۲۲۹ لایحه جدید لفظ «متضامناً» از قلم افتاده که شایسته است قانون‌گذار در تصویب نهایی این قانون به این موضوع توجه کند.

قانون‌گذار در حالت اجازه هیئت مدیره و عدم تصویب مجمع عمومی، شایسته بود حکمی مقرر می‌کرد که این معامله را نیز قابل ابطال بداند؛ چه ثالث تدلیس کرده باشد چه نکرده باشد، زیرا ممکن است معامله انجام شده متضمن زیان قابل ملاحظه‌ای برای شرکت باشد. هرچند قانون‌گذار پیش‌بینی کرده که جبران خسارت وارده برعهده مدیرعامل ذی‌نفع است، ولی این راه حل برای جبران خسارت شرکت کافی نیست (اسکینی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۷). خوشبختانه به نظر می‌رسد در ماده ۲۲۷ لایحه جدید قانون تجارت این مسئله مهم لحاظ شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه معامله مذکور در ماده ۲۲۵ این قانون بدون رعایت تشریفات مقرر در آن ماده انجام شود و یا بازرس یا بازرسان شرکت انجام این معامله در شرایط مقرر در ماده مذکور را تأیید نکند، مجمع عمومی عادی می‌تواند پس از استماع گزارش بازرس یا بازرسان شرکت،

۱. در ماده ۲۲۸ لایحه جدید نیز آمده است: «معاملات مذکور در ماده (۲۲۵)، در هر حال، حتی اگر به وسیله مجمع عمومی عادی تصویب نشود، در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر اینکه شخص ثالث با ذی‌نفع در معامله مذکور تبانی کرده باشد».

درباره درخواست اعلام بطلان معامله از دادگاه تصمیم مقتضی اتخاذ کند...». چنان که ملاحظه می‌شود، بنابر اطلاق این ماده، حتی اگر یکی از تشریفات ماده ۲۲۵ صورت نپذیرد، مجمع عمومی می‌تواند ابطال معامله را از دادگاه بخواهد. لذا درجایی که معامله اجازه داده شده از سوی هیئت مدیره به تصویب مجمع نرسد، مجمع عمومی می‌تواند پس از استماع گزارش بازرس یا بازرسان شرکت، درباره درخواست اعلام بطلان معامله از دادگاه تصمیم مقتضی را اتخاذ کند.

ج) اگر معامله بدون اجازه هیئت مدیره صورت گیرد، ولی به تصویب مجمع عمومی برسد؛ در این حالت برخی حقوق دانان به اشتباه نظر به بطلان چنین معامله‌ای داده‌اند (رسائی‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۱۵۴). اما بنابر مفهوم مخالف قسمتی از ماده ۱۳۱ ل.ا.ق.ت در صورتی که معامله بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد، لکن به تصویب مجمع عمومی برسد، معامله قابل ابطال نخواهد بود، بلکه صحیح و معتبر است.

د) حالت آخر این است که بدون اجازه هیئت مدیره و بدون تصویب مجمع باشد که در این صورت بنابر ماده ۱۳۱ ل.ا.ق.ت معامله قابل ابطال خواهد بود و شرکت می‌تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند. قانون‌گذار در لایحه جدید، مرور زمانی برای درخواست بطلان معامله در نظر نگرفته است.

#### ۲.۲.۲. بررسی معامله قابل ابطال در لایحه اصلاحی

برخی از حقوق دانان معتقدند که ابطال یادشده در ماده ۱۳۱ ل.ا.ق.ت به معنی عدم نفوذ است که با تصویب مجمع عمومی تنفیذ و با رد آن باطل می‌شود. منتها برای رد معامله مهلت سه ساله از زمان انعقاد معامله یا کشف آن در نظر گرفته شده است که عدم رد آن در مهلت یادشده، حمل بر رضای شرکت و تنفیذ معامله است (شهیدی، ۱۳۷۹، ص ۵۷). معامله تا پیش از تنفیذ یا رد، اثر حقوقی ندارد، زیرا این گروه از حقوق دانان منکر وجود معاملات قابل ابطال در حقوق ایران هستند.

این استدلال قابل خدشه است، زیرا معامله غیرنافذ معامله‌ایست که ناقص شکل گرفته و قابلیت کمال داشته باشد؛ اگر تنفیذ شود، معامله معتبر می‌شود و اگر رد شود هیچ اثری ندارد. اما معامله قابل ابطال از آغاز به طور صحیح شکل گرفته است، ولی از آغاز انعقاد به وسیله اشخاص ذی صلاح مورد حمایت قانون‌گذار قابل حذف است. هر چند برخی یادآور شده‌اند که معامله قابل ابطال جنبه استثنایی دارد و نباید وجود چنین حالتی را مشمول قواعد عمومی قراردادها پنداشت، اما وجود عقد قابل ابطال را در قانون تجارت به همان شکلی که در قوانین

خارجی به چشم می‌خورد، قبول دارند (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۳۳۰). همچنین برخی وجود چنین معامله‌ای را در ماده ۵۵۷ قانون تجارت هم پیش‌بینی کرده‌اند (محمدی، ۱۳۹۲-۱۳۹۱، ص ۵۷)؛ به این شرح که در این ماده درباره معاملات تاجر متوقف در دوران مشکوک با آوردن عبارت «قرارداد باطل شده» تلویحاً به قابلیت ابطال قرارداد اشاره شده است. از همین روی، نتیجه معاملات تاجر متوقف در دوران مشکوک این‌گونه شد که کلیه معاملات ماده ۴۲۳ قانون تجارت در صورتی که به ضرر طلبکاران باشد باطل است و سایر معاملات تاجر متوقف مطابق ماده ۵۵۷ ق.ت قابل ابطال است.

لذا بنابر نظر بیشتر حقوق‌دانان و نیز کلیه علمای حقوق تجارت، معاملات یادشده در ماده ۱۳۱ لایحه اصلاحی و همچنین ماده ۲۲۷ لایحه جدید قابل ابطال می‌باشد.

### ۳.۲.۲. نوآوری‌های لایحه جدید در خصوص معامله مدیرعامل با شرکت (معامله مشمول تشریفات کنترل)

الف) در ماده ۲۲۷ لایحه جدید آمده است که هرگاه معامله یادشده در ماده ۲۲۵ این قانون بدون رعایت تشریفات مقرر در آن ماده انجام شود و بازرس (یا بازرسان) شرکت انجام این معامله در شرایط مقرر در ماده مذکور را تأیید نکند، مجمع عمومی عادی می‌تواند پس از استماع گزارش بازرس یا بازرسان شرکت، درباره درخواست اعلام بطلان معامله از دادگاه تصمیم مقتضی را اتخاذ کند. چنان‌که ملاحظه می‌شود، بنابر اطلاق این ماده حتی اگر یکی از تشریفات ماده ۲۲۵ صورت نپذیرد، مجمع عمومی می‌تواند تقاضای ابطال معامله را از دادگاه بخواهد.

ب) نوآوری دیگر این است که طبق ماده ۲۲۹ لایحه جدید<sup>۱</sup>، بازرس یا بازرسان خاطی را نیز در زمره مسئولان قرار داده است.

ج) مرور زمان ماده ۱۳۱ ل.ا.ق.ت در لایحه جدید قانون تجارت دیده نمی‌شود.

د) در خصوص گزارش بازرس به مجمع، در لایحه جدید آمده است که بازرس «باید ضمن گزارش خاصی مشتمل بر جزئیات معامله، نظر خود را درباره انجام این معاملات در شرایط منصفانه و رعایت حقوق کلیه شرکا و یا سهام‌داران و قوانین و مقررات مربوط به‌طور کتبی ظرف ۱۰ روز به هیئت مدیره اعلام و به مجمع نیز تقدیم کند».

۱. «در صورتی که بر اثر انجام معاملات موضوع ماده (۲۲۵) این قانون به شرکت خسارتی وارد شود، ذی‌نفع در معامله، مدیرعامل، مدیران شرکت که انجام معامله را اجازه داده‌اند و بازرس یا بازرسان شرکت که برخلاف واقع رعایت شرایط مقرر در ماده (۲۲۵) را تأیید کرده‌اند، منفرداً، مسئول جبران کلیه خسارات وارد شده می‌باشند».

ه) در مواد ۲۴۰<sup>۱</sup> و ۲۴۱<sup>۲</sup> لایحه جدید، از سمتی با عنوان قائم مقام صحبت به میان آمده که مطابق ماده ۲۴۷ لایحه جدید<sup>۳</sup> وی نیز جزء افراد تحت کنترل ماده ۲۲۵ آورده شده است.

### ۳. بررسی معاملات مدیرعامل با شرکت در شرکت‌های تعاونی

مطابق ماده ۳۹ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ش، انتصاب مدیرعامل امری الزامی برای شرکت‌های تعاونی است. این ماده مقرر می‌دارد: «هیئت مدیره مکلف است بلافاصله بعد از انتخاب جهت مدیریت عملیات تعاونی و اجرای تصمیمات مجمع عمومی و هیئت مدیره فرد واجد شرایطی را از بین اعضای تعاونی و یا از خارج تعاونی برای مدت دو سال به عنوان مدیرعامل آن تعاونی انتخاب کند که زیر نظر هیئت مدیره انجام وظیفه نماید. وظایف و اختیارات و حقوق و مزایای مدیر عامل طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که بنا به پیشنهاد هیئت مدیره به تصویب مجمع عمومی خواهد رسید».

بنابر بخش پایانی ماده یادشده وظایف و اختیارات و حقوق و مزایای مدیرعامل طبق آیین‌نامه‌ای که در ۱۱ شهریور ۱۳۸۸ تصویب شد، مشخص گردید. ماده ۵ آیین‌نامه، مربوط به معاملات مدیرعامل می‌شود.

بند اول این ماده اشعار می‌دارد: «مدیرعامل تعاونی نمی‌تواند در معاملاتی که با تعاونی یا به حساب تعاونی می‌شود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شود». کیفیت انجام چنین معامله‌ای و شرایط آن در دستورالعمل معاملات تعاونی‌ها با هریک از اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرسان<sup>۴</sup> پیش‌بینی شده است. ماده ۲ این دستورالعمل همانند مواد دیده‌شده در لایحه اصلاحی بیان می‌دارد که «مدیران و بازرسان تعاونی و همچنین مؤسسات و شرکت‌هایی که مدیران و بازرسان تعاونی در آن‌ها شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل باشند، نمی‌توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با تعاونی یا به حساب تعاونی انجام می‌شود، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرسان تعاونی را از معامله‌ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی بدهد. بازرسان نیز مکلفند ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله‌ای به همان مجمع عمومی تقدیم کنند».

۱. «مدیرعامل می‌تواند با تصویب هیئت مدیره یک یا چند شخص حقیقی را به‌عنوان قائم‌مقام خود انتخاب و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه آنان را تعیین کند. حداکثر تعداد قائم‌مقام‌های مدیرعامل در اساسنامه معین می‌گردد».

۲. «... قائم‌مقام در حدود اختیارات تفویض‌شده، اختیارات مدیرعامل را دارد».

۳. «مقررات مواد... ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹... این قانون در مورد مدیرعامل و قائم‌مقام وی نیز مجری است».

۴. دستورالعمل معاملات تعاونی‌ها با هریک از اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرسان در ۱۳۸۸/۷/۱۹ به تصویب رسید.

تبصره ۱- مفاد این بند شامل معاملات عادی و جاری تعاونی با اعضای خود (اعضای حقیقی و حقوقی عضو شرکت تعاونی یا تعاونی‌های عضو اتحادیه‌ها) که در چارچوب آیین‌نامه معاملات صورت گیرد، نمی‌شود.

تبصره ۲- عضو هیئت مدیره ذی‌نفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و مدیران و بازرسان ذی‌نفع (در صورتی که بازرس و مدیرعامل عضو تعاونی باشند) در مجمع عمومی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله یادشده حق رأی نخواهد داشت.

بنابراین، تمام تشریفات و شرایطی که در مواد ۱۲۹ تا ۱۳۱ ل.ا.ق.ت در خصوص شرکت‌های سهامی دیده شد، در شرکت‌های تعاونی نیز باید رعایت گردد.

تدوین‌کنندگان این دستورالعمل در اقدام عاقلانه و شایسته در تبصره یک ماده، معاملات عادی و جاری را که مدیرعامل با شرکت منعقد می‌نماید، از شمول کنترل و اجرای تشریفات یادشده در خود ماده استثنا کرده‌اند.<sup>۱</sup>

در خصوص معاملات ممنوعه نیز در بند ۳ ماده ۵ آیین‌نامه، به وظایف، اختیارات و حقوق و مزایای مدیرعامل در شرکت‌های تعاونی به تأسی از ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت اشاره شده است: «مدیرعامل تعاونی حق ندارد هیچ‌گونه وام و یا اعتباری از تعاونی تحصیل نماید و تعاونی نمی‌تواند دیون وی را تضمین یا تعهد کند. این گونه عملیات به‌خودی خود باطل است». هرچند این بند اشاره‌ای به اقربای مدیرعامل ندارد، اما همان‌طور که پیداست این بند به تأسی از ماده ۱۳۲ ت.ل.ا.ق.ت وضع شده است. لذا بر اساس ماده ۱۳۲، این ممنوعیت در شرکت‌های تعاونی نیز شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد اولاد و برادر و خواهر مدیرعامل می‌شود. در پایان باید یادآور شد که قانون‌گذار در لایحه جدید در اقدامی شایسته و پسندیده مقرراتی را که از مواد ۲۲۵ تا ۲۳۰ ذکر کرده، شامل کلیه شرکت‌های تجارتي دانسته است.

#### ۴. بررسی معاملات مدیرعامل با شرکت در شرکت‌های با مسئولیت محدود،

##### تضامنی، نسبی، مختلط سهامی و مختلط غیر سهامی

هرچند در قانون تجارت پیرامون این قسم شرکت‌ها از مقام مدیرعامل صحبتی به میان نیامده، و مقرراتی که وضع شده شامل مدیران این گونه شرکت‌هاست، اما عملاً در این شرکت‌ها نیز

۱. طبق آیین‌نامه معاملات شرکت‌های تعاونی، معاملات این گونه شرکت‌ها به سه دسته جزئی، متوسط و عمده تقسیم می‌شوند که در هر شرکت میزان آن متفاوت خواهد بود.

مدیرعامل از جمله ارکان شرکت محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> در شرکت‌های با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی و مختلط، مدیرعامل نماینده (قراردادی) شرکت به‌شمار می‌آید. برخی آورده‌اند که ماهیت مدیران در این گونه شرکت‌ها نیز بر مبنای «نظریه رکن بودن» استوار است (عیسائی تفرشی، ۱۳۷۸، ص ۹۳). با این‌همه، از جمله نتایجی که از این نظریه اثبات می‌شود، رابطه وکالت مدیرعامل (منتخب از سوی مدیران) با شرکت است. بنابراین طبق قانون تجارت، مدیرعامل نماینده قراردادی شرکت محسوب می‌شود. ماده ۱۲۱ قانون تجارت پیرامون شرکت تضامنی که با ارجاع به ماده ۵۱ قانون تجارت مسئولیت مدیر را همان مسئولیت وکیل دانسته نیز مؤید همین گفته است. درباره ماده ۵۱ باید بیان داشت که مطابق مواد ۱۴۴ و ۱۶۴ قانون تجارت، مدیریت شرکت‌های مختلط سهامی و مختلط غیرسهامی با شرکای ضامن خواهد بود و نیز طبق ماده ۱۸۵ در خصوص شرکت‌های نسبی، ماهیت مدیران در این گونه شرکت‌ها را وکالت معرفی می‌نماید. قانون‌گذار در لایحه جدید قانون تجارت به این نقیصه جامه عمل پوشاند و به‌صراحت در تمامی شرکت‌ها مدیرعامل را عنصر مهم اداره شرکت شمرده و انتصاب وی را امری لازم و اساسی دانسته است. در ماده ۲۴۱ لایحه جدید آمده است که «مدیرعامل در مقابل اشخاص ثالث نماینده شرکت محسوب می‌گردد...».

با این وصف باید بررسی کرد که معامله مدیرعامل با شرکت‌های با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی و مختلط چه وضعی دارد. برخی صاحب‌نظران برآن‌اند که قاعده مندرج در ماده ۵۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ش که مقرر می‌دارد «مدیرهای شرکت نمی‌توانند بدون اجازه مجمع عمومی در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم سهام شونند و در صورت اجازه باید صورت مخصوص آن را همه‌ساله به مجمع عمومی بدهند»، در خصوص دیگر شرکت‌های تجاری نیز قابل اجراست (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۹۵ و ۹۶).

---

۱. برای نمونه در ماده ۳ دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها مصوب ۱۳۹۲/۵/۱ آمده است که تأسیس صرافی از سوی اشخاص حقیقی فقط در قالب شرکت تضامنی امکان‌پذیر است و در فصل سوم این دستورالعمل مدیرعامل را از ارکان شرکت صرافی معرفی کرده است.

در نمونه اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود نیز آمده است که هیئت مدیره از بین خود یک نفر را به سمت رئیس هیئت مدیره و یک نفر را به سمت مدیرعامل انتخاب می‌کند. همچنین رویه کنونی اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری نیز بر این نکته صحه می‌گذارد، زیرا اداره یادشده انتصاب شخص مدیرعامل از سوی هیئت مدیره را ضروری می‌داند.

۲. با فرض اینکه لفظ مدیرها شامل مدیرعامل شرکت نیز می‌شود.

این دیدگاه به این دلیل که حقوق و منافع شرکت و سهام‌داران را در نظر گرفته و اینکه تا حد امکان باید قواعد تجاری را بر مباحث و مسائل حقوق تجارت بار کرد و از رجوع به قواعد عام پرهیز نمود، قابل دفاع است. اما با اشکالاتی نیز روبرو است؛ چراکه در خصوص محدودیت معاملات نمایندگان حقوقی (از جمله مدیرعامل شرکت‌های تجاری) به تصریح نیاز دارد (طباطبایی یزدی، بی تا، ص ۱۴۹؛ شهید اول، ۱۴۰۶، ص ۹۸؛ شهید ثانی، بی تا، ص ۳۸۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ص ۹۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۹۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷، ص ۵۳۱). افزون‌براین همان‌طور که می‌دانیم مواد ۲۱ تا ۹۳ قانون تجارت به موجب لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ش نسخ شده است. ماده ۲۹۹ ل.ا.ق.ت مقرر می‌دارد «آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مربوط به شرکت سهامی (مواد ۲۱ تا ۹۳) که ناظر بر سایر شرکت‌های تجاری می‌باشد نسبت به آن شرکت‌ها به قوت خود باقی است»، اما در هیچ جای قانون به ماده ۵۳ قانون تجارت ارجاع داده نشده است.<sup>۱</sup>

راه حل دیگری که به ذهن می‌رسد این است که هرچند ماده ۵۳ قانون تجارت سال ۱۳۱۱ش به موجب لایحه اصلاحی منسوخ شده، ولی به جای آن مقرراتی مشابه آمده است. به این ترتیب که قانون‌گذار در ۱۳۴۷ش به تأسی از ماده ۵۳ قانون تجارت محدودیت‌هایی در معامله مدیرعامل با شرکت قائل شده است؛ لذا در صورتی که مدیرعامل شرکت تضامنی با مسئولیت محدود و مختلط با شرکت وارد معامله شود، تشریفات کنترل ماده ۱۲۹ تا ۱۳۱ لایحه اصلاحی در اینجا نیز اعمال گردد و از انجام معاملات ماده ۱۳۲ لایحه اصلاحی نیز ممنوع شوند تا از آزادی مدیرعامل در قرارداد با شرکت جلوگیری به عمل آید، منافع شرکت و شرکا تا حد ممکن می‌تواند حفظ شود. در رد این راه حل باید گفت که مواد لایحه اصلاحی سال ۱۳۴۷ش مختص شرکت‌های سهامی عام و خاص است و نمی‌توان از آن به‌عنوان قاعده کلی در سایر شرکت‌های تجاری استفاده کرد.

به نظر می‌رسد، برخی صاحب‌نظران حقوق تجارت درباره معامله مدیران<sup>۲</sup> شرکت با مسئولیت محدود با شرکت، در صورت ورود ضرر به شرکت، قائل به بطلان این گونه معامله شده و آورده‌اند، مدیر شرکت با مسئولیت محدود اختیار دارد شخصاً با شرکتی که اداره آن را به‌عهده دارد معامله کند، ولی طبق اصول کلی در صورتی که مدیر شرکت به زیان شرکت و نفع شخصی خود اقدامی کند، هریک از شرکا می‌تواند از محکمه تقاضای رسیدگی نموده، به‌عنوان خیانت در امانت مدیر شرکت را تحت تعقیب قرار دهد (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۹). طبق این

۱. از جمله مصداق‌های این ماده، مواد ۱۲۱ و ۱۶۶ ق.ت می‌باشد.

۲. با فرض اینکه لفظ مدیران شامل مدیرعامل شرکت نیز می‌شود، حقوق‌دانان نیز در آثار خود از مدیرعامل شرکت‌های با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی و مختلط سهامی و مختلط غیرسهامی مطلبی را ذکر نکرده‌اند.



نظر، مدیران (در وکالت مطلق) در انعقاد قرارداد با شرکت آزادند، ولی در صورتی که این عمل به ضرر شرکت و شرکا ختم شود، هریک از آنها می‌تواند به دلیل خائن بودن مدیرعامل نزد دادگاه صالح اقامه دعوی نماید؛ حال اگر این جرم اثبات گردد، معامله مربوطه مجرمانه و باطل خواهد بود (برگرفته از ماده ۲۳۲ قانون مدنی). اما این نظر قابل خدشه است، زیرا ضمانت اجرای سنگین بطلان معامله، محدود به تصریح قانون‌گذار می‌باشد.

لذا به دلیل صراحت نداشتن در قانون تجارت پیرامون معامله مدیران شرکت‌های با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط سهامی و مختلط غیرسهامی با شرکت، لزوماً باید به قواعد عام وکالت رجوع کرد. در خصوص معامله با خود هم نه قانون‌گذار تصریحی دارد و نه قول متفقی میان فقها و علمای حقوق دیده می‌شود. اما از آنجا که در عالم حقوق حکم قضیه‌ای نباید مبهم بماند (اصل ۱۶۷ قانون اساسی)، ناگزیر دیدگاه مشهور فقها و حقوق‌دانان را مدنظر قرار می‌دهیم.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، درجایی که وکالت به صورت تقییدی<sup>۱</sup> باشد، وکیل (مدیرعامل) در صورتی می‌تواند با خود معامله کند که این اختیار صریحاً یا به دلالت قرینه‌ای از سوی موکل (شرکت) به وی داده شده باشد (طباطبایی یزدی، بی‌تا، ص ۱۴۹؛ شهید اول، ۱۴۰۶، ص ۹۸؛ شهید ثانی، بی‌تا، ص ۳۸۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ص ۹۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۹۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷، ص ۵۳۱).

اما در صورت اطلاق وکالت<sup>۲</sup>، برخی برآنند که با هرکسی، حتی با خود، می‌تواند معامله کند (نجفی، ۱۳۹۷، ص ۴۳۰ و طباطبایی یزدی، بی‌تا، ص ۱۴۹؛ گیلانی قمی، ۱۳۷۱، ص ۵۲۱ و امامی، ۱۳۳۸، ص ۲۶۲؛ شهیدی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹). استدلال این گروه، اطلاق و عمومات ادله مربوطه مبتنی بر جواز اتحاد موجب و قابل است. اما قول مشهور فقها دلالت بر اختیار وکیل ندارد و به عدم جواز معامله وکیل با خود حکم داده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۰، ص ۴۱۷؛ شهید ثانی، بی‌تا، ص ۳۸۵؛ ابن‌قدامة، ۱۹۸۸، ص ۲۵۲؛ نجفی-کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹، ص ۲۴).

عده‌ای از صاحب‌نظران در صورتی معامله وکیل با خود را جایز شمرده‌اند که شخصیت و امانت وکیل در سرنوشت معامله بی‌تأثیر باشد؛ مثل بیع کالایی که در بازار قیمت معین دارد.<sup>۳</sup> اما در جایی که شخصیت وجودی وکیل در انگیزه ایجاد معامله مؤثر باشد، او از انجام معامله با خود منع می‌شود؛ مانند وکالت مطلق در هبه<sup>۴</sup> (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۹۹ و ۱۰۰).

۱. ماده ۶۶۰ قانون مدنی

۲. مواد ۶۶۰ و ۶۶۱ قانون مدنی - جایی که موکل بدون هیچ قید و شرطی به وکیل اختیار انجام معامله می‌دهد.

۳. ملاک ماده ۳۷۳ قانون تجارت نیز مؤید این نظر است (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۹۹).

۴. ماده ۱۰۷۲ که مقرر می‌دارد: «در صورتی که وکالت بطور اطلاق داده شود وکیل نمی‌تواند موکله را برای خودتزیج کند مگر این که این اذن صریحاً به او داده شده باشد» نیز مؤید این نظر است.

به نظر می‌رسد این تفصیل سازگار با حقوق کنونی است؛ خصوصاً اینکه قانون‌گذار در سال ۱۳۱۱ش اجازه خرید و فروش مالی را که مظنه بوری یا بازاری دارد به حق‌العمل‌کار داده است<sup>۱</sup> (ماده ۳۷۳ قانون تجارت). از آنجایی که بحث حاضر درباره شرکت‌هایی است (با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط سهامی و مختلط غیر سهامی) که مواد مربوطشان در همان سال تنظیم شده، لذا گویا اراده قانون‌گذار در سال ۱۳۱۱ش با این تفصیل به نوعی سازگار بوده است. بنابراین در حال حاضر چنانچه مدیرعامل شرکت‌های یادشده در صدد انعقاد هر معامله معوضی با شرکت باشد، در صورتی که از سوی هیئت مدیره<sup>۲</sup> اذن چنین معامله‌ای را گرفته باشد، معامله او صحیح و معتبر خواهد بود و نیز در وکالت مطلق که کالای مورد معامله بهای معین داشته باشد.

اما اگر مدیرعامل از انجام معامله با شرکت به‌صراحت (یا از طریق اوضاع و احوال) از سوی هیئت مدیره منع شده باشد و یا در صورتی که وکالت مطلق بوده و کالا مظنه روز یا بهای معین نداشته باشد، بر مبنای ماده ۶۶۳، معامله فضولی و غیرنافذ است<sup>۳</sup> (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۶۹ و ۱۷۰). در صورت تنفیذ نشدن، معامله باطل و مدیرعامل خاطی مسئول خسارات وارده به شرکت خواهد بود.

قانون‌گذار در لایحه جدید قانون تجارت در اقدامی شایسته مقرراتی را که در مواد ۲۲۵ تا ۲۳۰ آمده، شامل کلیه شرکت‌های تجاری دانسته است. لذا در یافتن کیفیت و ضمانت اجرای معامله مدیرعامل شرکت‌های با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط سهامی و مختلط غیرسهامی با شرکت نیازی به رجوع به مقررات حقوق مدنی نخواهد بود. این اقدام قانون‌گذار از جمله بارزترین نوآوری‌های لایحه جدید پیرامون شرکت‌های تجاری قلمداد می‌شود.

## ۵. نتیجه

هرگاه مدیرعامل شرکت سهامی و تعاونی قرارداد و امی با شرکت منعقد کند یا اعتباری از شرکت کسب نماید و یا به تضمین تعهدش به‌وسیله شرکت اقدام کند، چنین معاملاتی حتی در صورت تصویب کلیه اعضای مجمع عمومی، باطل و بی‌اثر است. اما درجایی که مدیرعامل

۱. با رعایت ماده ۳۷۴ قانون تجارت.

۲. چراکه حدود اختیارات مدیرعامل نشئت گرفته از هیئت مدیره است.

۳. ضمانت اجرای عدم نفوذ را در جای دیگر حقوق تجارت نیز می‌بینیم. چنان که برخی حقوق‌دانان گفته‌اند معاملات تاجر ورشکسته پس از صدور حکم ورشکستگی جز در مواردی که بنا به قیاس اولویت با ماده ۴۲۳ قانون تجارت باطل می‌باشد، غیر نافذ است (محمدی، ۱۳۹۲-۱۳۹۱، ص ۶۳).

به طور مستقیم یا غیرمستقیم در معامله با شرکت سهیم شود، بدون اینکه انجام چنین معامله‌ای را به هیئت مدیره افشا کند، باید بررسی کرد که چنین قراردادی جزء قراردادهای عادی شرکت است یا اساسی؛ همان طور که این موضوع مهم در مقررات خاصی منحصرأ در خصوص شرکت‌های تعاونی و بیمه مد نظر قانون‌گذار بوده است. همچنین اطلاق لفظ معامله مندرج در ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت، مختص عقود معاوضی است. از همین رو شایسته است قانون‌گذار جدید در تصویب نهایی قانون تجارت نواقص مطرح شده را مرتفع، و معاملات جزئی و عادی و نیز معاملات بلاعوض مدیرعامل با شرکت را از رعایت تشریفات کنترل معاف سازد.

قانون‌گذار در لایحه جدید معامله‌ای (تشریفاتی) را که با کسب مجوز از هیئت مدیره، با عدم تصویب مجمع عمومی روبرو می‌شود، قابل ابطال انگاشته است، زیرا بنابر اطلاق ماده ۲۲۷ لایحه جدید، حتی اگر یکی از تشریفات ماده ۲۲۵ صورت نپذیرد، مجمع عمومی می‌تواند تقاضای ابطال معامله را از دادگاه بخواهد. این اقدام قانون‌گذار گامی نو در جهت حفظ منافع شرکت و سهام‌داران تلقی می‌شود.

هرگاه مدیرعامل سایر شرکت‌های تجاری (با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط سهامی و مختلط غیرسهامی) از انعقاد هر معامله معوضی با شرکت از سوی هیئت مدیره منع شده باشد و یا درجایی که وکالت مطلق بوده و کالا مظنه روز یا بهای معین نداشته باشد، چنین معامله‌ای فضولی و غیرنافذ است؛ لذا احکام معامله فضولی بر آن بار می‌گردد. این استدلال به طور ضمنی از اراده قانون‌گذار در سال ۱۳۱۱ش برمی‌آید (ماده ۳۷۳ قانون تجارت). خوشبختانه قانون‌گذار جدید در مواد ۲۲۵ تا ۲۲۹ لایحه جدید قانون تجارت انجام تشریفات کنترل را در تمامی شرکت‌های تجاری لازم دانسته است. در ماده ۲۳۰ نیز اخذ وام از شرکت، کسب اعتبار از شرکت، ضامن و متعهد شدن شرکت به علت دین مدیرعامل، ممنوع و ضمانت اجرای آن در تمامی شرکت‌ها بطلان عقد می‌باشد.

## منابع و مأخذ

### الف - فارسی

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۸). حقوق تجارت شرکت‌های تجاری - شرکت‌های اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود. جلد اول، چاپ چهاردهم، سمت.
۲. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۸). حقوق تجارت شرکت‌های تجاری - شرکت‌های سهامی عام و خاص. جلد دوم، چاپ دوازدهم، سمت.
۳. اسکینی، ربیعا و شریفی آل هاشم، سید الهام‌الدین (۱۳۷۹). تحلیل اختیارات مدیران شرکت‌های سهامی با توجه به مبانی رابطه مدیران با شرکت در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس. مجله مدرس، دوره ۴، شماره ۴.
۴. اصغری آقمشهدی، فخرالدین و عیسانی تفرشی، محمد (۱۳۸۵). ماهیت حقوقی رابطه مدیران شرکت‌های سهامی با شرکت. مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال هجدهم، شماره دوم.

۵. امامی سیدحسین (۱۳۶۸). حقوق مدنی. جلد ۱، چاپ هشتم، تهران، کتاب فروشی اسلامیه.
۶. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۳). معامله خارج از اختیار مدیر. مجله اندیشه‌های حقوقی - پردیس قم، شماره ۶.
۷. پاسبان، محمدرضا (۱۳۸۹). اهلیت شرکت‌های تجاری و حدود اختیارات مدیران شرکت‌های تجاری. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰۱.
۸. پاسبان، محمدرضا (۱۳۹۲). حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ هشتم، انتشارات سمت.
۹. پاکدامن، رضا (۱۳۸۹). حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ اول، انتشارات خرسندی.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۷). دائره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد ۱، چاپ اول، بنیاد راستاد.
۱۱. حسینی، حسن (۱۳۷۸). حقوق تجارت. چاپ اول، نشر میزان.
۱۲. حیدریپور، البرز (۱۳۸۲). محدودیت‌های مدیران شرکتها در انجام معاملات - بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس چاپ اول، مهزیار.
۱۳. دمیرچیلی، محمد و دیگران (۱۳۸۹). قانون تجارت در نظم کنونی. چاپ دهم، نشر دادستان.
۱۴. رسائی نیا، ناصر (۱۳۷۹). کلیات حقوق بازرگانی. چاپ دوم، انتشارات دریچه.
۱۵. ساجدی، ولی (۱۳۸۵). محدودیت‌های معاملات شرکت با مدیران. نشریه بورس، شماره ۵۳.
۱۶. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۸). حقوق تجارت. جلد دوم، انتشارات دادگستر.
۱۷. سید احمدی سجادی، سیدعلی (۱۳۸۷). تحلیل شرکت از دیدگاه اقتصادی. اندیشه‌های حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره ۱۳.
۱۸. شهیدی، مهدی (۱۳۷۹). اصول و قراردادها و تعهدات. جلد دوم، انتشارات عصر حقوق.
۱۹. شهیدی، مهدی (۱۳۹۲). تشکیل قراردادها و تعهدات. چاپ نهم، انتشارات حقوقی مجد.
۲۰. صفایی، حسین و قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷). اشخاص و مجبورین. چاپ چهاردهم، تهران، سمت.
۲۱. صفی‌نیا، سید نورالدین (۱۳۸۱). درآمدی بر قانون شرکت‌های تجاری در ایران. چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. عیسائی تفرشی، محمد (۱۳۷۸). مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری. جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۲۳. کاتبی، حسین‌قلی (۱۳۸۰). حقوق تجارت. چاپ پنجم، انتشارات گنج دانش.
۲۴. کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۹۲). دوره حقوق مدنی - عقود اذنی و وثیقه‌های دین. چاپ هفتم، شرکت سهامی انتشار.
۲۵. کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۹۱). قواعد عمومی قراردادها. جلد اول، چاپ هشتم، شرکت سهامی انتشار.
۲۶. کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۸۸). قواعد عمومی قراردادها. جلد دوم، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار.
۲۷. گروهی از نویسندگان (۱۳۸۵). معرفی لایحه تجارت و نوآوری‌های آن. چاپ اول، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۲۸. محمدی، سام (۱۳۹۲-۱۳۹۱). جزوه حقوق تجارت - ورشکستگی. دانشگاه مازندران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۲۹. نصیری، مرتضی (۱۳۸۳). حقوق تجارت بین‌المللی در نظام حقوق ایران. چاپ اول، انتشارات امیرکبیر.
۳۰. یحیی‌پور، جمشید (۱۳۹۲). رساله دکتری - نظام حاکمیت (راهبری) شرکتی شرکت‌های سهامی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و امریکا. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

## ب- عربی

۱. ابن قدامه (۱۹۹۸م). الکافی - فی فقه الامام احمد بن حنبل. مکتب اسلامی.
۲. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق). حدائق الناضره. مؤسسه نشر اسلامی.
۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). ارشاد الازهان الی احکام الایمان. موسسه نشر اسلامی.
۴. شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی عاملی (۱۴۰۶ق). لمعه دمشقیه فی فقه الامامیه. انتشارات مطبعه حکمت.
۵. شهید ثانی، زین‌الدین الجبعی عاملی (بی‌تا). الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه. مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (بی‌تا). تکلمه العروه الوثقی. جلد اول، نشر مکتب داورى.
۷. گیلانی قمی، ابو القاسم بن محمد حسن (۱۳۷۱). جامع الشتات. انتشارات کیهان تهران

بررسی وضعیت و آثار حقوقی معامله مدیر عامل با شرکت در مقایسه با لایحه جدید قانون تجارت ۳۵۹

---

۸. نجفی - کاشف الغطاء، محمد حسین بن علی بن محمد رضا (۱۳۵۹ق). تحریر المجله. جلد ۲، چاپ اول، المكتبة المرتضوية.
۹. نجفی، محمدحسین (۱۳۹۷ق). جواهرالکلام. چاپ ششم، تهران، کتابخانه اسلامی.